

The Approach of International Law Towards Nuclear Non-Proliferation and the Challenges of the Security Council in Ensuring Adherence to the Obligations of Countries

Jahanbakhsh Jafari¹, Farid Azadbakht^{2*}, Mehdi Hatami³

1. PhD Student of Public International Law, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
2. Assistant Professor of Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
3. Associate Professor of Public International Law, Department of Law, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 939-958

Article history:

Received: 5 Aug 2023

Edition: 10 Oct 2023

Accepted: 30 Nov 2023

Published online: 14 Des 2023

Keywords:

international law, nuclear proliferation, international peace, international security, Security Council.

Corresponding Author:

Farid Azadbakht

Address:

Iran, Kermanshah, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0002-1393-1969

Tel:

09127142701

Email:

f.azadbakht@iauksh.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: The proliferation of nuclear weapons is one of the main challenges to international peace and security. The purpose of this article is to examine the challenges of the Security Council in ensuring adherence to nuclear non-proliferation obligations.

Materials and Methods: The method of the article is descriptive and analytical, and a library tool was used to collect data qualitatively.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The most dominant treaty in the field of preventing the spread of nuclear weapons is the non-proliferation of nuclear weapons. This treaty has divided the states that are parties to the treaty into two groups: states that have nuclear weapons and states that do not have nuclear weapons. This treaty is an important international agreement whose main purpose is to prevent the development of nuclear weapons. The most important challenge of the Security Council in this regard is the proliferation of nuclear weapons. There have been criticisms of the performance of the Security Council in this regard, which comes from the discriminatory treatment of the Council's performance.

Conclusion: The low success of the international law of nuclear weapons and the obstacles on its way are largely due to mutual fear and insecurity caused by the arms race in international relations. As long as the international legal framework governing arms control, disarmament and non-proliferation under the protection of international security is not strengthened, despite all efforts, the desired result for the international community will not occur.

Cite this article as:

Jafari J, Azadbakht F, Hatami M. The Approach of International Law Towards Nuclear Non-Proliferation and the Challenges of the Security Council in Ensuring Adherence to the Obligations of Countries. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.

دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به عدم اشاعه هسته‌ای و چالش‌های شورای امنیت در تضمین پای‌بندی به تعهدات کشورها

جهانبخش جعفری^۱، فرید آزادبخت^{۲*}، مهدی حاتمی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۳. دانشیار حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اشاعه سلاح‌های هسته‌ای یکی از چالش‌های اساسی فراروی صلح و امنیت بین‌المللی است. هدف مقاله حاضر بررسی چالش‌های شورای امنیت در تضمین پای‌بندی به تعهدات عدم اشاعه هسته‌ای است.

مواد و روش‌ها: روش مقاله توصیفی-تحلیلی است و از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: غالب‌ترین معاهده در زمینه جلوگیری از گسترش سلاح هسته‌ای، منع گسترش سلاح هسته‌ای است. این پیمان دولت‌های طرف معاهده را به دو دسته دولت‌های دارنده و دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای تقسیم کرده است. این پیمان یک قرارداد بین‌المللی مهم است که هدف اصلی آن جلوگیری از توسعه سلاح هسته‌ای است. مهم‌ترین چالش شورای امنیت در این خصوص اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است. انتقاداتی که در این زمینه بر عملکرد شورای امنیت وارد است، شامل برخورد تبعیض‌آمیز بودن در عملکرد شورا ناشی می‌شود.

نتیجه: موفقیت کم حقوق بین‌الملل تسلیحات هسته‌ای و موانع موجود بر سر راه آن به میزان زیادی ناشی از ترس و ناامنی متقابل ناشی از رقابت تسلیحاتی در روابط بین‌المللی است. تا زمانی که چارچوب حقوقی بین‌المللی حاکم بر کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم اشاعه در پناه امنیت بین‌المللی تقویت نشود، نتیجه مورد نظر برای جامعه بین‌المللی رخ نخواهد داد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۳۹-۹۵۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳

واژگان کلیدی:

حقوق بین‌الملل، اشاعه هسته‌ای، صلح بین‌المللی، امنیت بین‌المللی، شورای امنیت.

نویسنده مسئول:

فرید آزادبخت

آدرس پستی:

ایران، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، گروه حقوق.

کد ارکید:

0000-0002-1393-1969

تلفن:

۰۹۱۲۷۱۴۲۷۰۱

پست الکترونیک:

f.azadbakht@iauksh.ac.ir

۱. مقدمه

سلاح‌های هسته‌ای همواره تهدید بزرگی برای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شده‌اند. تهدید جدی تسلیحات هسته‌ای برای صلح و امنیت بین‌المللی و فراتر از آن حیات نوع بشر، منجر به شکل‌گیری بحث منع اشاعه شد. بند ۱ ماده ۱۱ منشور سازمان ملل متحد اشعار می‌دارد: «مجمع عمومی می‌تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد اصول مذکور به اعضا یا به شورای امنیت یا به هر دو توصیه‌هایی بنماید». عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای که می‌توان آن را سنگ بنای استقرار صلح و امنیت بین‌المللی دانست، عبارت است از نابودی یا کاهش تسلیحاتی در سطح ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی. هدف از خلع سلاح همان استقرار صلح و امنیت بین‌المللی است که منشور سازمان ملل متحد در مواد مختلفی بر آن تأکید کرده است. مقدمه منشور بر زیستن در صلح و متحد ساختن قوای خویش به‌منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تأکید کرده است. منع اشاعه هسته‌ای به‌معنی عدم پراکندگی، عدم گسترش و عدم شیوع سلاح هسته‌ای در نظر گرفته شده است و از نظر حقوقی عدم اشاعه هسته‌ای به‌معنی ممنوعیت انتقال تسلیحات هسته‌ای و عدم انتقال آن از یک کشور به کشور دیگر در قالب معاهدات در نظر گرفته شده است (مدنی، ۱۳۶۰، ۱۴). از نظر حقوقی منع اشاعه هسته‌ای به این معنی است که دولت‌ها از به‌دست آوردن توان تولید و فراوری سلاح‌های هسته‌ای با دستیابی به این‌گونه سلاح-های هسته‌ای به هر طریق ممکن خودداری کنند و آن دسته از دولت‌های برخوردار از توان و استعداد

تهیه و تولید این سلاح‌ها از قابلیت خود در این زمینه استفاده نکنند (مولایی، ۱۳۷۶، ۶۹). بنابراین هدف اصلی خلع سلاح در وهله نخست حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، احترام به اصول انسانیت، حمایت از غیر نظامیان، ارتقای توسعه پایدار، تسهیل اعتمادسازی میان ملت‌ها، پیش‌گیری و پایان بخشیدن به مخاصمات مسلحانه است. این در حالی است که کشور هند هم‌چنان از امضای پیمان عدم اشاعه به دلیل ظرفیت تبعیض‌آمیز آن امتناع می‌کند. از دید هندی‌ها پیمان عدم اشاعه به‌سادگی انحصار داشتن سلاح هسته‌ای توسط پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل را قانونی جلوه می‌دهد و لذا دهلی نو هم‌چنان از امضای آن سرباز می‌زند. در مورد پاکستان موضوع تا حدودی متفاوت است. این کشور همواره سیاست خود در قبال موضوع هسته‌ای را در مقابل سیاست هند ارزیابی می‌کند و معتقد است تا زمانی که هند پیمان‌ها را امضا نکند اسلام‌آباد نیز آن‌ها را امضا نخواهد کرد. اگرچه این دو کشور در گذشته تحریم‌هایی را از سوی ایالات متحده متحمل شده‌اند، در سال‌های اخیر به‌صورت وسیعی تحریم‌های یادشده برداشته شده‌اند. وضعیت رژیم اسرائیل و هسته‌ای بودن این رژیم که نه‌ان‌پی‌تی را امضا کرده است و نه به بازرسان آژانس انرژی اتمی اجازه ورود به سرزمین‌های اشغالی را می‌دهد، مقوله دیگری در بحث عملیاتی عدم اشاعه و نوعی تضمین بین‌المللی به این رژیم برای آسوده زیستن در سایه توانایی هسته‌ای نظامی اعلام نشده است که هنوز برای آن راه‌حلی متصور نبوده است. در خصوص معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای پژوهش‌های متعددی انجام شده است. حجت‌الله قدیری (۱۳۹۰) در

۲. مواد و روش‌ها

روش مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی است و از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

غالب‌ترین معاهده در زمینه جلوگیری از گسترش سلاح هسته‌ای منع گسترش سلاح هسته‌ای است. این پیمان، دولت‌های طرف معاهده را به دو دسته دولت‌های دارنده و دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای تقسیم کرده است. این پیمان یک قرارداد بین‌المللی مهم است که هدف اصلی آن جلوگیری از توسعه سلاح هسته‌ای است.

۵. بحث

در این قسمت مبانی پژوهش و یافته‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۵-۱. مبانی عدم اشاعه هسته‌ای

مبانی عدم اشاعه هسته‌ای عبارت‌اند از مواردی که در ادامه شرح داده می‌شوند.

مقاله‌ای، به‌طور تطبیقی کنوانسیون منع جنگ-افزارهای زیستی را با معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را بررسی کرده است. سیدحسین سادات میدانی (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای اختلافات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار داده است. علی توکلی طبسی و محمدعلی مرادی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای، معاهده منع تسلیحات هسته‌ای و پیامدهای آن بر نظام خلع سلاح هسته‌ای را با تأکید بر معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بررسی کرده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده در هدف این مقاله است که متمرکز بر بررسی رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به عدم اشاعه هسته‌ای و چالش‌های شورای امنیت در تضمین پای‌بندی به تعهدات کشورها است. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای چگونه بوده است و دلایل عدم موفقیت سازمان ملل در اشاعه این تسلیحات که تهدید مستقیم صلاح و امنیت بین‌المللی است به چه دلیل بوده است؟

به‌منظور بررسی پرسش مورد اشاره، ابتدا مبانی معاهده عدم اشاعه هسته‌ای بررسی شده است؛ سپس جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل به‌عنوان رویکرد مناسب در راستای مقابله با چالش عدم موفقیت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بررسی شده است.

۵-۱-۱. عدالت

تبعیض در اعمال حق ۴-مشروط شدن حق به مواد

یک و دو معاهده»(بابایی، ۱۳۹۴، ۴۱)

«در مورد ویژگی عدالت بودن حق دولت‌های طرف معاهده نسبت به انرژی هسته‌ای ذکر چند نکته ضروری می‌نماید: نخست اینکه نه در این معاهده و نیز در هیچ سند مرتبط با آن عبارت اصل عدالت تعریف نشده است. طبق اصول و قواعد تفسیر معاهدات، به‌نحو مندرج در ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات، برای تفسیر معاهده می‌بایست به معنای عادی و متداول عبارات با توجه به سیاق عبارت و موضوع و هدف معاهده مراجعه نمود. از این رو برای درک صحیح عبارت اصل عدالت، ابتدا می‌بایست به مفهوم عادی و متداول این عبارت مراجعه نمود. بنابراین اصل عدالت حق دولت‌ها در برخورداری از انرژی هسته‌ای به این معنی است که این حق از قبل موجود بوده و درج در بند یک ماده ۴ صرفاً تأیید مجدد آن در یک سند بین‌المللی است»(مولایی، ۱۳۷۶، ۷۶).

طبق این معاهده کشورهای دارای سلاح هسته‌ای نباید به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به کشورهای غیر برخوردار در راه تحصیل این سلاح کمک کنند و کشورهای غیر برخوردار متعهد می‌شوند تا در این راه تلاش نکنند. هرچند به موجب ماده ۴ برخوردارها متعهد شده‌اند که فناوری هسته‌ای صلح آمیز را در اختیار غیر برخوردارها قرار دهند. جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پیگیری مذاکرات خلع سلاح هسته‌ای یکی از اهداف مهم پیمان مزبور به‌شمار می‌رود. هم‌چنین یاری‌رسانی به کشورهای غیر هسته‌ای در راه به‌کارگیری فناوری صلح آمیز

«در ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به‌صراحت از حق ذاتی همه دولت‌های عضو برای تحقیق عدالت برای توسعه و استفاده از انرژی هسته‌ای سخن به میان می‌آورد و در وجود چنین حقی برای دولت‌ها تردیدی باقی نمی‌گذارد؛ اما سؤالی که باقی است این است که آیا این معاهده حق دولت‌ها در زمینه انرژی هسته‌ای را به‌عنوان حقی مطلق می‌پذیرد یا محدود و مشروط. به عبارت دیگر آیا طبق معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و برخورداری از عدالت می‌توان یک دولت را از حق برخورداری از انرژی صلح آمیز هسته‌ای منع یا محدود کرد؟ پاسخ به این سؤالات مستلزم مراجعه به متن و تفسیر دقیق و درک صحیح از مقررات معاهده فوق با توجه به اصول و مقررات تفسیر معاهدات می‌باشد»(نیازمند، ۱۳۹۸، ۶۲)

«طبق بند یک ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای: هیچ چیزی در این معاهده نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که حق دستیابی به انرژی هسته‌ای برای عدالت در توسعه مسلم هم‌پیمانان در انجام تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز را تحت تأثیر قرار دهد. این امر باید بدون اعمال تبعیض و در مطابقت با مواد ۱ و ۲ این پیمان باشد. با تحلیل محتوای مقرر فوق می‌توان تا حد زیادی دامنه و حدود حق برخورداری از انرژی هسته‌ای برای دولت‌های عضو را مشخص کرد. ویژگی‌های این حق عبارت‌اند از: ۱-مسلم بودن حق؛ ۲-شمول حق به همه مراحل چرخه سوخت هسته‌ای شامل تحقیق، تولید و استفاده محدودیت حق به مقاصد صلح آمیز؛ ۳-عدم پذیرش

هسته‌ای یکی دیگر از اهداف این پیمان بین‌المللی است.

باشد، انصاف، خلأ قانون موضوعه را پر می‌کند و در تکمیل مقررات موضوعه به کار می‌آید» (نیازمند، ۱۳۹۸، ۶۲).

۵-۱-۲. انصاف

«انصاف از جمله مفاهیم چندلایه و پیچیده‌ای است که هم در دکتترین، همواره مورد بحث بوده و هم در رویه دیوان دائمی و دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر مراجع قضایی بین‌المللی به کرات مورد استناد قرار گرفته است. قضات دیوان نیز در نظرات جداگانه خود به مناسبت‌های مختلف، مفهوم انصاف را مورد بحث و استناد قرار داده‌اند. دیوان بین‌المللی، با استفاده از ظرفیت قاعده‌سازی اصل انصاف در حل و فصل عدم اشاعه هسته‌ای، نقش مؤثری در عینیت یافتن برخی از مصادیق انصاف در حقوق بین‌الملل داشته و در فرایند تفسیر، گاه از اصل کلی انصاف، استنباط‌های اثرگذاری انجام داده که در فهم محتوای انصاف و معیارهای حقوقی آن راهگشاست. به‌طور کلی، انصاف از نظر حقوقی، در مرحله رسیدگی قضایی اهمیت بیشتری می‌یابد. در این مفهوم، انصاف، سه نقش ایفا می‌کند و هر سه نقش، در نسبت آن با قانون و در مقام اجرا توسط مرجع قضایی تعریف می‌شود: گاه در تفسیر قانون، گاه در تکمیل خلأ قانون، و گاه به جای قانون. الف- در تفسیر یا اعمال مقررات موضوعه، انصاف، طریقی برای دستیابی به عدالت است. یعنی برآوردن مقتضیات آن در یک قضیه (عدم اشاعه هسته‌ای) یا رویه‌ای مشخص. که در این مفهوم انصاف، ذاتاً یک عمل قضایی است که مرجع رسیدگی، بنا به وظیفه‌ای که در اجرای قانون دارد، انجام می‌دهد. ب- هرگاه حقوق موضوعه، مقرراتی درباره قضیه مورد نظر نداشته

حقوق دانان توافق دارند که یکی از مصادیق اصول منصفانه، اصول کلی حقوق در مفهوم قسمت ج بند ۱ ماده ۳۸ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری است: «... هر آنچه از مطالعات تطبیقی به دست آید و نشان دهد که عدالت، انصاف و سایر ارزش‌های اخلاقی در نظام‌های حقوقی عمده جهان به عنوان اصول کلی حقوق شناخته شده‌اند، این دستاورد توسط دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان وسیله فهم و توجه به انصاف در حقوق بین‌الملل به کار می‌رود» (عسگری، ۱۳۹۹، ۷).

اصل انصاف و برابری یکی از محورهای حقوق فضا به شمار می‌رود که شناسایی استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای بر اساس آن صورت گرفته است و مؤید این حق برابر همه کشورها در دسترسی استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای است. در تأیید این اصل که منافع استفاده صلح‌آمیز از تکنولوژی هسته‌ای، از جمله فرآورده‌های جانبی که ممکن است توسط دولت‌های دارای تسلیحات هسته‌ای از طریق توسعه‌ی ابزارهای انفجار هسته‌ای به دست آید، باید به منظور بهره‌برداری در مقاصد صلح‌آمیز در اختیار تمام هم‌پیمانان اعم از دولت‌های دارای تسلیحات هسته‌ای یا فاقد تسلیحات هسته‌ای قرار گیرد.

۵-۱-۳. صلح‌پیشگیرانه مبتنی بر حسن و نیت

سیاست‌های جهانی و رویکردهای سخت‌گیرانه مبتنی بر دکتترین عدم گسترش توسط ابرقدرت‌هایی

مثل شوروی سابق و ایالات متحدهٔ آمریکا، تأثیر بسزایی بر مادهٔ ۴ معاهدهٔ ان.پی.تی به‌ویژه مفهوم حق مسلم کشورهای عضو معاهده برای برخورداری از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز گذاشت. اگرچه معاهدهٔ ان.پی.تی خود فی‌نفسه با این هدف منعقد شد تا از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در قالب افزایش دارندگان و تولیدکنندگان چنین سلاحی جلوگیری به‌عمل آید؛ اما به‌هرحال قدرت‌های غربی با بهانه قرار دادن خطر گسترش سلاح‌های اتمی تلاش کردند محدودیت‌های زیادی را بر معاهدهٔ ان.پی.تی تحمیل کنند (ژانگ، ۲۰۰۶، ۶۴۷).

در ارتباط با اتخاذ رویکردهای یک‌جانبه و عاری از حسن نیت توسط برخی از کشورهای غربی در خصوص مفاد معاهدهٔ ان.پی.تی به‌ویژه مادهٔ ۴، برتراند گلدشمیت-رئیس سابق شورای حکام آژانس بین‌المللی هسته‌ای می‌گوید که تا اواسط دههٔ ۱۹۷۰ پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سیاست‌های معاهدهٔ عدم گسترش، عاری از هر گونه محدودیت فنی بود. به‌طوری که در آن زمان معاهدهٔ عدم گسترش را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد و آن‌هم اینکه «انفجار اتمی ممنوع است» و هر چیز دیگر مجاز است و هیچ چیزی در معاهدهٔ عدم گسترش کشورهای عضو را از پیگیری روش‌های فنی انتخاب‌شده توسط آن‌ها باز نمی‌دارد. به‌بیان دیگر، تا قبل از تغییر استراتژی ایالات متحده در دههٔ ۸۰ میلادی و اعمال سختگیری‌های نابه‌جا در خصوص فعالیت‌های حساس هسته‌ای، کشورهای فاقد سلاح اتمی عضو معاهده حق داشتند از کلیهٔ منافع و مزایای مندرج در مادهٔ ۴ بدون نگرانی از تحمیل تحریم‌های اقتصادی و یا تهدیدات امنیتی و نظامی

استفاده کنند. این رویکرد غیر عقلایی که باعث بروز بحران‌های جدی سیاسی، امنیتی و نظامی در سطح جهانی شده است، شرایطی را ایجاد کرده است که شاید هیچ زمانی تا این اندازه صلح و امنیت جهانی به خطر نیفتاده است. بحران هسته‌ای عراق، لیبی، کرهٔ شمالی و ایران محقق نشد؛ مگر در نتیجهٔ اتخاذ رویکردهای یک‌جانبه و تفسیر غیر عقلایی از مفاد معاهدهٔ ان.پی.تی. به‌عنوان مثال، در سند گزارش بررسی چشم‌انداز هسته‌ای ایالات متحدهٔ آمریکا صراحتاً اعلام شده است: «محدودیت‌های شدیدی می‌بایست بر روی انتقال تکنولوژی‌های غنی‌سازی و باز فراوری که استفادهٔ دوگانه دارند برای کشورهای فاقد بمب اتمی واقع شود» (ساعد، ۱۳۸۶، ۱۸). معاهدهٔ عدم اشاعهٔ سلاح‌های هسته‌ای از این جهت به پیش‌گیری از جنگ و تحقق صلح کمک می‌کند که بر اساس آن هر دولت دارای تسلیحات هسته‌ای، در این پیمان متعهد می‌شود از انتقال هر گونه سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ابزارهای انفجار هسته‌ای یا دادن کنترل مستقیم یا غیر مستقیم سلاح‌ها یا ابزارهای انفجار هسته‌ای به دیگران خودداری کند و به هیچ نحوی از انحاء، هیچ یک از کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای را یاری، تشویق و ترغیب به ساخت یا دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ابزارهای انفجار هسته‌ای یا کنترل چنین سلاح‌ها یا ابزارهای انفجاری نکند.

۵-۱-۴. عدم تبعیض

استفاده از اصطلاح «بدون تبعیض» در متن مادهٔ ۴ (۱) بیانگر جدیت کشورهای عضو معاهده است تا از هر گونه تبعیض و یا استاندارد دوگانهٔ بین‌کشورها

برای توسعه و بهره‌مندی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای جلوگیری به عمل آورد. در واقع، هدف از به کارگیری این اصطلاح این است که از هر گونه اعمال محدودیت غیر مناسب برای بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای جلوگیری شود. در کنفرانس بازبینی معاهده ان.پی.تی در سال ۲۰۱۰ این مسئله مطرح شد که آیا برخی از کشورهای غربی از چنین حقی برخوردارند که تحت لوای حفظ صلح و امنیت جهانی از گسترش فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورها فاقد سلاح اتمی جلوگیری به عمل آورند؟ این مسئله بدین گونه پاسخ داده شد: «انتخاب و تصمیمات هر یک از کشورها در زمینه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز باید مورد احترام بین‌المللی قرار گیرد؛ بدون به مخاطره انداختن سیاست‌ها و ترتیبات همکاری بین‌المللی برای بهره‌برداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و سیاست‌های سوخت هسته‌ای» (نیازمند، ۱۳۹۸، ۶۲).

از نقطه نظر تاریخی نیز در خلال مذاکرات انعقاد معاهده ان.پی.تی یکی از نگرانی‌های کشورهای در حال توسعه آن بود که اعمال ماده ۴ باید فاقد هر گونه تبعیض و استانداردهای دوگانه باشد. در نتیجه، اصطلاح «بدون تبعیض» در معاهده ان.پی.تی گنجانده شد تا این پیام روشن را برساند که در راستای اعمال دکرترین عدم گسترش، معاهده درصدد آن است که حداکثر امتیازات لازم و همکاری‌های علمی، تحقیقاتی و کاربردی را برای برخورداری کشورهای فاقد سلاح اتمی از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز به دور از هر گونه استاندارد دوگانه و تبعیضی به کار بندد. علاوه بر این، استفاده از اصطلاح برای اهداف صلح‌آمیز در ماده ۴ معاهده دلالت بر آن دارد که کشورها حق انجام فعالیت‌های حساس و غیر

هسته‌ای را فقط برای اهداف صلح‌آمیز دارند بدون هیچ گونه قید و شرطی. به بیان دیگر، حساس بودن برخی فعالیت‌های هسته‌ای نمی‌تواند دلیلی باشد برای اعمال محدودیت بیشتر به کشورهای فاقد سلاح اتمی؛ مادامی که هدف از انجام این فعالیت‌ها در راستای روح معاهده که همان گسترش فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای از یک طرف و تقویت رژیم عدم گسترش سلاح هسته‌ای از طرف دیگر باشد. پاراگراف ۱ و ۲ ماده ۴ معاهده را می‌باید با دو پاراگراف مقدماتی معاهده در ارتباط با استعمال و بهره‌برداری انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در نظر گرفت که مبین اصل حداکثر همکاری با کشورهای فاقد سلاح اتمی در توسعه و کسب انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای است. به عبارت دیگر، اصل حداکثر همکاری صراحتاً مقرر می‌دارد که: «منافع و فوائد حاصله از استفاده‌های صلح‌جویانه از تکنولوژی هسته‌ای من جمله کلیه فرآورده‌های فرعی ناشی از تکنولوژی که دول مجهز به سلاح‌های هسته‌ای ممکن است از بسط ادوات انفجاری هسته‌ای به دست آورند، بایستی برای مقاصد صلح‌جویانه در دسترس کلیه طرف‌های این پیمان اعم از دولتی که مجهز به سلاح‌های هسته‌ای باشند یا نه قرار داشته باشد» (پاراگراف ۶ مقدمه معاهده ان.پی.تی) بر اساس معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای تمام هم‌پیمانان متعهد می‌شوند تمهیدات لازم را اتخاذ کنند تا در مطابقت با این پیمان، تحت نظارت مناسب بین‌المللی و در چارچوب روال‌های بین‌المللی مقتضی، از دسترسی تمام دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای وارده در این پیمان به مزایای بالقوه حاصله از انجام هر گونه انفجارهای صلح‌آمیز هسته‌ای، حصول اطمینان کنند. این امر باید بدون اعمال تبعیض انجام گیرد و هزینه‌ی مالی آن برای

پرداخت. در چنین مواردی ابتدائاً، از روی آثار ویژه ناشی از کاربرد سلاح، سلاح مزبور ممنوعه شناخته می‌شود و بعداً در مرحله کاربرد، هر نوع کاربرد آن جنایت شناخته می‌شود. در چنین مواقعی، کاربرد سلاح‌های هسته‌ای می‌تواند یک جنایت بین‌المللی مستقل قلمداد شود» (ژانگ، ۲۰۰۶، ۶۴۷).

۵-۲-۲. جرم‌انگاری غیر مستقیم

«سلاح‌های هسته‌ای صرف‌نظر از ماهیتی که دارند در شرایطی می‌توانند بر اساس اینکه ناقض یک سری از قواعد حقوق بین‌الملل هستند، به‌طور غیر مستقل یک جنایت بین‌المللی قلمداد شوند. در واقع در چنین وضعیتی نفس کاربرد سلاح هسته‌ای یک جنایت بین‌المللی نیست، بلکه تنها آثار خاص به بارآمده ناشی از کاربرد آن‌ها، می‌تواند در قالب جنایتی دیگر، مسئلهٔ جرم‌انگاری کاربرد آن‌ها را توجیه کند. از این‌رو این نوع جرم‌انگاری، جرم‌انگاری غیر مستقیم است. چرا که کاربرد سلاح هسته‌ای تنها از آنجایی که منجر به آثار ویژه‌ای می‌شود که جزء عناصر متشکلهٔ سایر جنایات می‌باشد، یک جنایت تلقی می‌شود. در چنین وضعیتی، کاربرد آن‌ها تنها وسیلهٔ مادهٔ ارتکاب سایر جنایات بین‌المللی (مثل جنایت جنگی، ژنوساید، جنایت علیه بشریت) است. این نوع جرم‌انگاری که عمدتاً روی آثار کاربرد سلاح تمرکز دارد تا ماهیت سلاح، هم در وضعیت جنگ و هم در وضعیت صلح قابل تحقق است. لازم به ذکر است که کاربرد سلاح هسته‌ای هم در پارادایم کلاسیک و هم در پارادایم در حال ظهور حقوق بین‌الملل یک جنایت بین‌المللی غیرمستقل می‌تواند محسوب شود. و در این خصوص هیچ‌گونه چالشی وجود ندارد؛ بلکه

چنین دولت‌هایی، در پایین‌ترین حد ممکن خواهد بود و شامل هزینهٔ تحقیقات و توسعه نمی‌شود. دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای وارده در این پیمان باید بتوانند در چارچوب یک توافق یا توافقات خاص بین‌المللی و از مجرای یک نهاد مناسب بین‌المللی که دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای نمایندگان کافی در آن داشته باشند، به این مزایا دست یابند. مذاکرات در این زمینه باید پس از اجرایی شدن این پیمان، در نزدیک‌ترین زمان ممکن آغاز شود. دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای وارده در این پیمان که چنین تمایلی داشته باشند، هم-چنین می‌توانند از طریق توافقات دوجانبه به این مزایا دست یابند.

۵-۲-۲. جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل

این مبحث شامل دو نوع جرم‌انگاری مستقیم و غیر مستقیم است که در ادامه هر یک به‌طور جداگانه بیان می‌شود.

۵-۲-۱. جرم‌انگاری مستقیم

«در چنین جرم‌انگاری، نفس کاربرد سلاح هسته‌ای در قالب یک فعل مستقل و صرف‌نظر از آثار آن در استفاده‌های خاص و موردی، یک جنایت بین‌المللی قلمداد می‌شود. این نوع جرم‌انگاری روی ماهیت سلاح هسته‌ای تأکید دارد. بدین معنی که سلاح هسته‌ای ماهیتاً همیشه ناقض قواعد حقوق بشردوستانهٔ بین‌المللی است و نیازی نیست که برای جنایت تلقی شدن کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در هر مورد به ارزیابی رعایت یا نقض قواعد بشردوستانه

بین‌المللی خود حکایت از وجود قواعد آمره دارد. این قواعد به‌خاطر ارزش‌هایی که از آن‌ها حمایت می‌کنند واجد این عنوان می‌شوند. معیاری که برای تشخیص قواعد آمره می‌توان قائل شد مبتنی بر این واقعیت است که آن‌ها از منافع برتر جامعه بین‌المللی حمایت می‌کنند. منفعتی که تخطی از آن جایز نیست. با این وجود، معیار مزبور فقط ماهوی است و تنها امکان مرتبط کردن مفهوم قاعده آمره را با ابعاد اجتماعی به‌دست می‌دهد» (دوپوئی، ۱۳۸۴، ۲۳۳)

«علی‌رغم اینکه شناسایی قواعد آمره در حقوق بین‌الملل عمومی دشوار است؛ اما این امر در حوزه حقوق بشر دوستانه، چندان مشکل به نظر نمی‌رسد. در خصوص شناسایی قواعد آمره در حوزه حقوق بشردوستانه، با تأکید بر مبانی بشردوستی آن، اتفاق نظر زیادی وجود دارد. به‌طوری که در رویه دولت‌ها، رویه قضایی بین‌المللی و دکترین، حقوق بشردوستانه یا حداقل برخی از مصادیق آن به‌عنوان قواعد آمره شناخته شده‌اند. البته در میان قواعد حقوق بشردوستانه که اقتدار خاصی دارند، یک سری اصولی وجود دارند که اهمیت و اقتدار خاصی دارند» (دوپوئی، ۱۳۸۴، ۲۴۱).

«در نهایت آنچه مسلم است اینکه، اصول بشردوستانه حقوق درگیری‌های مسلحانه، از نظر گستره، عام-الشمول و از جهت درجه اولویت و قدرت الزامی، در زمره قواعد آمره هستند؛ اما فهرستی که عمدتاً رویه قضایی بین‌المللی آن را تبیین می‌کند از لحاظ دامنه شمول دقیق نیست. از این رو به‌نظر می‌رسد که اگرچه در حوزه حقوق بشردوستانه یک هسته سخت قواعد و اصول آمره وجود دارد که نقض آن‌ها جنایت بین‌المللی قلمداد می‌شود؛ ولی مشکل است که

عمده بحث روی جرم‌انگاری مستقیم می‌باشد. از سوئی دیگر تاریخ بیانگر این واقعیت است که پیوند کاملاً نزدیکی میان سلاح و جنگ وجود دارد. به‌طوری که بدون وجود سلاح تصور وقوع جنگ بسیار مشکل است» (ساعد، ۱۳۸۶، ۱۸). در واقع کاربرد سلاح باپدیده جنگ عجین شده است. از این رو در حقوق بین‌الملل نیز قواعد مربوط به انواع مختلف سلاح‌ها، صرف‌نظر از ماهیت و آثار آن‌ها، در چارچوب قواعد حقوق جنگ تنظیم و تبیین می‌شود.

۵-۳. کاربرد سلاح‌های هسته‌ای ناقض قواعد آمره بین‌المللی

«نظام حقوقی هر جامعه حافظ مصالح و ارزش‌های آن جامعه بوده و با نظم بخشیدن به اعمال و رفتار تابعان خود، مانع فروپاشیدن بنیان‌های اجتماعی آن نظام می‌شود چرا که مهم‌ترین کارکرد نظام حقوقی هر جامعه‌ای حمایت از اصول و قواعدی است که جزء ارزش‌های بنیادین جامعه بوده و نظام اجتماعی مبتنی بر آن‌هاست. این اصول و قواعد اجتماعی ذاتی هر اجتماعی بوده و بدون آن‌ها تصور وجود هر گونه جامعه و اجتماع سازمان‌یافته‌ای غیر ممکن است. لذا جامعه بین‌المللی نیز فارغ از وجود چنین اصول و قواعد اجتماعی نیست. این اصول و قواعد نظم اجتماعی که تابعان حقوق بین‌الملل نمی‌توانند (و نایستی) از آن تخلف ورزند قواعد آمره نامیده می‌شود» (هیلیر، ۱۹۹۸، ۱۰۰).

«از آنجایی که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون وجود حداقل اصول بنیادینی که ارزش‌های برتر در آن نظام حقوقی دارد به زیست خود ادامه دهد، وجود جامعه

می‌باشد. ولی دیوان حقایق کافی در دست ندارد که اعلام کند در کلیهٔ شرایط و مطلقاً استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مغایر حقوق بشردوستانه است. این استدلال در راستای تائید این یافته دیوان است- که قدرت مخرب سلاح‌های هسته‌ای نمی‌تواند در زمان و مکان بگنجد و سلاح‌های هسته‌ای پتانسیل نابودی کل تمدن یا تمام اکوسیستم روی کرهٔ زمین را دارند. هم چنین به نظر محمد بجاوی (رئیس دیوان در زمان صدور این رأی مشورتی)، سلاح‌های هسته‌ای حقوق بشردوستانه را بی‌ثبات می‌کند و وجود آن‌ها، ذاتاً وجود شاخهٔ حقوق بین‌الملل بشردوستانه را به چالش می‌کشد. قاضی بجاوی اضافه می‌کند که در وضعیت اخیر علم، سلاح‌های هسته‌ای قادر به رعایت اصل تفکیک میان قربانیان (نظامیان از غیر نظامیان) نیستند و علاوه بر آن، آن‌ها منجر به وارد شدن درد و رنج بیهوده به هر دو گروه می‌شوند. مگر اینکه علم به آن حد از پیشرفت برسد که استفاده فقط روی نظامیان تأثیر بگذارد و به غیر نظامیان صدمه وارد نسازد. اگرچه دیوان در قسمت نهایی رأی به استنتاجات مغایر ۳ می‌رسد؛ ولی از تجزیه و تحلیل نظرات اکثر قضات، چنین بر می‌آید که فعلاً کاربرد کلیهٔ سلاح‌های هسته‌ای اصول حقوق بشردوستانه را نقض می‌کند. شاید در بستر توسعهٔ تکنولوژی، سلاح‌های هسته‌ای ساخته شوند که الزامات حقوق بشردوستانه را رعایت کنند، تا به حال چنین پیشرفتی حاصل نشده است (ژانگ، ۲۰۰۶، ۶۴۸).

«در نهایت خصوص کاربرد سلاح‌ها هسته‌ای این نتیجه حاصل می‌شود که تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای عموماً مغایر با قواعد حقوق بین‌الملل، قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه و

جوانب و مصادیق آن را به‌طور دقیق مشخص کرد. کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ، مکرراً موضعش را در خصوص سلاح‌های هسته‌ای عنوان نموده و بیان داشته که سلاح‌های هسته‌ای حیات غیر نظامیان و نهایتاً آینده بشریت را به خطر می‌اندازند. کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ نیز در موضع‌گیری رسمی خود در خصوص کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، انطباق کاربرد این گونه سلاح‌ها را با اصول و قواعد، حقوق بشردوستانه بین‌المللی بسیار مشکل می‌داند» (بوگنیون، ۲۰۰۵، ۲۱).

«کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ نیز در موضع‌گیری رسمی خود در خصوص کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، انطباق کاربرد این گونه سلاح‌ها را با اصول و قواعد، حقوق بشردوستانه بین‌المللی بسیار مشکل می‌داند. دیدگاه دیگر مقرر می‌دارد که توسل به سلاح‌های هسته‌ای هرگز نمی‌تواند با اصول و قواعد حقوق بشردوستانه سازگار باشد و بنابراین کاربرد این سلاح‌ها ممنوع است. در موقع استفاده، سلاح‌های هسته‌ای در همه اوضاع و احوال، قادر به رعایت تفکیک میان جمعیت نظامی و غیر نظامی، اهداف نظامی و غیر نظامی نبوده و اثراتشان تا حدود زیادی غیر قابل کنترل است به‌طوری که نمی‌تواند به اهداف نظامی مشروع محدود بماند. چنین سلاح‌هایی لزوماً به روش غیر تبعیض‌آمیز منجر به مرگ و تخریب می‌شوند و حجم تلفات بسیار بالا می‌رود» (هیلیر، ۱۹۹۸، ۶۶۳).

«دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۱۹۹۶ عنوان می‌دارد؛ به‌دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد سلاح‌های هسته‌ای، استفاده از آن‌ها به‌ندرت قادر به رعایت الزامات حقوق بشردوستانه

حقوق کیفری یک پدیده‌ای جرم تلقی شده بایستی ابتدائاً آن عمل شامل یک فعل یا ترک فعل باشد. همچنین بایستی مرتکب یکی از اشکال مختلف عنصر معنوی (قصد، بی‌احتیاطی یا غفلت شدید) را موقع ارتکاب داشته باشد. و نهایتاً اینکه عمل مزبور در مجموعه قواعد کیفری یک جرم تلقی شده و غیر قانونی اعلام شده باشد» (عسگری، ۱۳۹۹، ۷).

الف) عنصر مادی

«به نظر می‌رسد عنصر ماده جنایات بین‌المللی (اعم از رفتار، آثار و اوضاع و احوال خاص)، در خصوص جنایت کاربرد سلاح هسته‌ای به نحو زیر جلوه‌گر شود: ۱- در خصوص رفتار: این عنصر مادی علاوه بر فعل (که همان کاربرد سلاح است) می‌باشد شامل ترک فعل نیز می‌باشد. بر طبق قواعد حقوق بین‌الملل کیفری، از جمله ماده ۲۸ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، فرمانده یا مقام مافوقی که از ارتکاب عمل مجرمانه جلوگیری نمی‌کند به همان اندازه مرتکب مسئول است. ۲- در خصوص آثار: برخی جنایات بین‌المللی، نه تنها نیاز به ارتکاب عمل ممنوعه دارند؛ بلکه هم-چنین نیاز دارند که ارتکاب این اعمال ممنوعه در هر مورد به آثار خاصی منجر شود؛ اما در خصوص جرم-انگاری مستقیم سلاح‌های هسته‌ای، به دلیل رابطه لاینفک میان کاربرد و آثار مخرب ناشی از آن، تحقق آثار در ذات کاربرد این سلاح‌ها بوده و نیازی به بررسی موردی تحقق آثار وجود ندارد. لذا به نظر می‌رسد نبایستی جرم‌انگاری مستقیم آن‌ها مستلزم بررسی موردی نقض سایر قواعد حقوق بین‌الملل (از جمله حقوق بشردوستانه) از طریق آثار آن باشد. ۳- در خصوص اوضاع و احوال خاص: برخی از اعمال مجرمانه برای اینکه در محیط حقوق بین‌الملل یک

به‌ویژه اصول و قواعد آمره حقوق بشردوستانه بین‌المللی خواهد بود و در بستر واقعیت‌های عینی و وضعیت اخیر علم، تصور شرایطی که در آن کاربرد سلاح‌های هسته‌ای حقوق بشردوستانه را نقض نکند، دشوار است» (ساعد، ۱۳۸۶، ۱۹).

واقعیت این است که حقوق بین‌الملل در مرحله گذر از سمت پارادایم کلاسیک (حقوق بین‌الملل دولت-محور) به سمت پارادایم جدید (حقوق بین‌الملل بشر محور) است. این روند تقریباً در همه حوزه‌های حقوق بین‌الملل شروع شده است و پیش می‌رود. در برخی شاخه‌های حقوق بین‌الملل مثل حقوق بشر این روند سریع بوده است و حاکمیت به نسبت سایر شاخه‌ها مقاومت کمتری دارد. اما در برخی شاخه‌ها نیز مثل حقوق خلع سلاح و کنترل تسلیحات به دلیل در میان بودن مسائل امنیتی این روند کند است.

۴-۵. کاربرد سلاح‌های هسته‌ای واجد عناصر متشکله جنایات بین‌المللی

«اما در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری، صرف نقض قواعد آمره و برهم خوردن نظم عمومی بین‌المللی موجبی برای جنایت تلقی شدن یک رفتار نیست. برای اینکه عملی جنایت بین‌المللی قلمداد شود، در کنار نقض قواعد آمره و برهم خوردن نظم عمومی بین‌المللی، نیاز به عناصری است که جنایات بین‌المللی را تشکیل می‌دهند؛ به‌طوری که در صورت فقدان آن‌ها جنایت بین‌المللی محقق نمی‌شود. به عبارتی دیگر وجود معیارهای ماهوی قبلی تنها شرط لازم برای جنایت تلقی شدن رفتار به‌خصوص می‌باشد، ولی شرط کافی نیست و برای این که در

برای جنایت جنگی به رسمیت می‌شناسد. حقوق مخاصمات مسلحانه به همین ترتیب مجرمانه بودن عمل ناشی از بی‌احتیاطی و تخریب بی‌احتیاطانه که به حد عمد دقیق نرسیده‌اند را نیز به رسمیت می‌شناسد. در خصوص مجرمانه بودن عمل و یا حمله‌ای که انتظار اثرات ممنوعه می‌رود» (کریانگ و دیگران، ۱۳۸۳، ۹۸).

ج: عنصر قانونی

«مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین موضوع مرتبط با جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، عنصر قانونی است. در واقع جنایت تلقی‌نشده کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب پارادایم کلاسیک حقوق بین‌الملل، به دلیل فقدان این عنصر می‌باشد. اگرچه در پارادایم کلاسیک و دولت-محور حقوق بین‌الملل عنصر قانونی بودن عمدتاً در بستر معاهده شکل می‌گیرد ولی ما مدعی هستیم که امروزه در بستر پارادایم در حال نوظهور جدید باید تفسیری از حقوق بین‌الملل به‌عمل آورد که به نفع بشریت باشد نه حاکمیت دولت‌ها. همان‌طوری که شعبهٔ تجدید نظر دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ عنوان شد امروزه حقوق بین‌الملل حول محور بشریت شکل می‌گیرد. کلیهٔ مسائل حقوق بین‌الملل به تدریج از زاویهٔ حقوق بشر نگریسته می‌شود؛ نه حاکمیت دولت‌ها. اما با توجه به اینکه فعلاً این پارادایم بشر محور در مراحل اولیهٔ تکوین خود بوده است و تثبیت نشده است ممکن است در تحلیل‌ها به نتایجی رسد که با نگاه امروزین و دولت-محور به حقوق بین‌الملل خیلی سازگار نباشد. ولی به هر صورت واقعیت اجتناب‌ناپذیر این است که امروزه حقوق بین‌الملل در مرحلهٔ گذر از حقوق بین‌الملل دولت-محور به سمت

جنایت تلقی شوند، بایستی با اوضاع و احوال ویژه همراه باشند. مثلاً وقوع یک جنایت ژنوساید که نیاز به قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه مورد حمایت دارد و یا ارتکاب یک جنایت علیه بشریت نیاز به ارتکاب اعمالی در بعد گسترده یا سازمان‌یافته دارد. چنین اوضاع و احوال خاصی تنها در خصوص نوع خاصی از جنایات بین‌المللی موسوم به جنایات بر طبق حقوق بین‌الملل مطرح می‌باشد که فعلاً شامل ژنوساید، جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی می‌شود» (کریستنسن، ۲۰۰۵، ۷۱).

ب: عنصر معنوی

«قواعد حقوقی در این خصوص روشن است بدین معنی که برای ارتکاب یک عمل مجرمانه از طریق نقض قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه، عنصر عمد لازم نیست. آگاهی، بی‌احتیاطی و غفلت شدید، و حتی در مواقعی غفلت جزئی، می‌تواند مبنایی برای مجرمانه بودن عمل قلمداد شود. لذا لازم نیست مرتکب اثرات ناشی از کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را بخواهد؛ بلکه برای مجرمانه بودن کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، کافی است که مرتکب علی‌رغم اطلاع از خطرات ناشی از کاربرد آن، آن را به کار برده باشد» (ماکسلی، ۲۰۰۰، ۱۴).

«ولی با وجود این، حقوق بین‌الملل کیفری حداقل غفلت شدید یا چشم‌پوشی عمدی را برای مجرمانه تلقی شدن کاربرد سلاح‌های هسته‌ای لازم می‌داند. در حقوق بین‌الملل همانند حقوق داخلی قصد نقض قانون یا غفلت، به آن شدتی که برابر با قصد قلمداد شود، اساس جنایت است. هم‌چنین حقوق مخاصمات مسلحانه عموماً بی‌احتیاطی و سایر وضعیت‌های ذهنی کمتر از قصد صریح را، نیز به عنوان مبنایی

حقوق بین‌الملل بشر محور است» (کریانگ و دیگران، ۱۳۸۳، ۹۸).

گرچه تا به حال هیچ معاهده یا سند بین‌المللی وجود ندارد که کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را مطلقاً ممنوع کند و مبنای جرم‌انگاری کاربرد آن‌ها قرار گیرد با وجود این مشخصاً هنوز برخی از قواعد مهم حقوق جنگ در معاهدات موجود مندرج نیستند. در بخشی به دلیل اینکه آن‌ها کاملاً مشهور و جاافتاده تلقی می‌شوند و در بخشی دیگر به عنوان قواعد عرفی جنگ تماماً پذیرفته شده‌اند. ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ تأیید می‌کند که ممکن است سلاحی مشمول معاهده ممنوعیت ویژه نباشد؛ ولی با وجود این ممکن است از طریق اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه کاربرد آن ممنوع باشد. در رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان تأکید می‌کند که قبل از استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به منظورهای نظامی، باید مشروعیت یا عدم مشروعیت کاربرد آن‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین شرط مارتنس حاکی از این است که حتی اگر یک معاهده ممنوعیت ویژه نیز وجود نداشته باشد، از طریق مفاد این شرط می‌توان کاربرد نوع خاصی از سلاح را ممنوع ساخت. از این رو به موجب اصول بنیادین بشریت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، ماهیتاً ممنوع است.

مهم‌ترین هدف سازمان ملل متحد و در رأس ارکان آن، شورای امنیت، حفظ صلح داشته است. درباره پیمان و امنیت بین‌المللی است و منشور به طور کلی به حفظ صلح و پیش‌گیری از تجاوز و رفع آن توجه خاصی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی) که مبنای رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است، بارها گفته شده است که اعتبار و ارجحیت خود را از دست داده است و خطر درهم شکستن و حتی فروپاشی آن را نمی‌باید از نظر دور داشت. در رابطه با چنین تهدیدهایی می‌توان دو خاستگاه قائل گردید: دشواری‌هایی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اطمینان یافتن از عدم انحراف فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای عضو پیمان به سوی اهداف نظامی با آن‌ها مواجه است و نیز مسئله جهان‌شمول نبودن این پیمان (عسگری، ۱۳۹۹، ۷). اکنون، پرسش مهم این است که آیا شورای امنیت، توانسته است بدون جانب‌داری، به مسئولیت خود عمل کند. در جواب باید مدعی شد که شورای امنیت سازمان ملل در بسیاری از موارد از وظایف قانونی خود سرپیچی کرده است و به ابزاری برای تأمین منافع کشورهای قدرتمند تبدیل شده است.

۵-۵-۱. جهان‌شمول نبودن ماهیت پیمان

اگرچه پیمان از لحاظ تعداد اعضا، جهانی محسوب می‌شود؛ اما خارج ماندن اسرائیل، پاکستان، کره شمالی و هندوستان از پیمان سایه تاریکی بر پیکره آن انداخته است و این سؤال مطرح است که چرا برخی مستثنی شده‌اند و هیچ الزامی برای پیوستن به تخطی‌گرایان واقعی این معاهده وجود ندارد. هم‌چنین آن‌ها هیچ تعهد قانونی برای خلع سلاح و یا

۵-۵. چالش‌های حقوقی شورای امنیت در تضمین پایبندی به تعهدات عدم اشاعه هسته‌ای

۵-۵-۳. ناسازگاری پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای با تعهدات منع اشاعه

یک چالش اصلی معاهده، ادامهٔ عدم سازگاری تعداد اندکی از کشورهای غیر هسته‌ای با تعهدات منع اشاعه است. در حال حاضر اکثریت اعضای پیمان خود را با تعهدات منع اشاعه سازگار کرده‌اند. در حالی که برخی با ادامهٔ ناسازگاری، اجرای معاهده را تضعیف کرده‌اند و تلاش‌های بین‌المللی تا کنون برای حل این موضوع نتیجه نداده است. برای مثال کرهٔ شمالی با خروج از پیمان به‌تنهایی به نمونهٔ عملی اجرای مادهٔ ۱۰ معاهده تبدیل شده است و تلاش کشورهای عضو گروه ۶ به‌منظور متقاعد ساختن این کشور برای الحاق مجدد به پیمان خلع سلاح هنوز به نتیجه نرسیده است (باروز، ۲۰۰۷، ۳۲).

۵-۵-۴. ناتوانی شورای امنیت از سوءاستفاده از بند ۱۰ پیمان در خصوص خروج از معاهده توسط اعضای شورا

مادهٔ ۱۰ پیمان بر حق اعضا برای خروج از آن تأکید دارد و الزامات مورد نیاز برای خروج را بیان کرده است. از این‌رو نگرانی رو به رشدی میان اعضای معاهده در مورد احتمال سوءاستفاده از این بند وجود دارد و در واقع، تناقض اینجاست که چرا خروج از معاهده از یک‌سو حق است؛ اما هم‌زمان نقض تعهدات پیمان نیز تلقی می‌شود. «روشن است که یک کشور تحت مقررات بین‌المللی در برابر نقض مقررات ان.پی.تی مسئولیت دارد و در صورت خروج از پیمان داری مسئولیت بین‌المللی است؛ اما با این حال در مادهٔ ۱۰ آمده برای خروج از معاهده باید سه ماه

خودداری از کمک به برنامهٔ تسلیحات هسته‌ای کشورهای غیر هسته‌ای ندارند و در نتیجه غیر جهان‌شمول بودن پیمان، کارآمدی آن را تضعیف می‌کند و احساس امنیت را متوجه کشورهای غیر هسته‌ای نمی‌سازد (کریستنسن، ۲۰۰۵، ۷۱).

۵-۵-۲. چالش مادهٔ ۶ پیمان و مسئلهٔ خلع سلاح

«با اینکه خلع سلاح از اصلی‌ترین هدف پیمان است؛ اما کشورهای هسته‌ای خلع سلاح خود را مشروط به اصلاح وضعیت امنیت بین‌المللی کرده و هم‌چنان به مدرنیزه کردن زرادخانهٔ هسته‌ای خود مبادرت می‌کنند. این تأیید می‌کند که نابرابری که از ابتدای به‌وجود آمدن پیمان وجود داشته، هم‌چنان دلیل اصلی شکایت کشورهای غیر هسته‌ای باقی خواهد ماند. بنابراین حتی اگر این نارضایتی به از دست رفتن مشروعیت و اختتام پیمان منتهی نگردد، مطمئناً تمایل کشورهای غیر هسته‌ای برای همکاری در مسیر تقویت پیمان به خطر خواهد انداخت» (نیازمند، ۱۳۹۸، ۹۶).

با اینکه امروزه حمایت رو به رشدی از ادامهٔ مذاکرات بشردوستانه ناشی از خطر استفاده از سلاح هسته‌ای وجود دارد، واضح نیست که این مسئله چه زمانی به واقعیت بپیوندد. در آخرین کنفرانس بازنگری، اتریشی‌ها متعهد به پر کردن شکاف قانونی موجود مسئلهٔ «اشاعه» و «خلع سلاح هسته‌ای» شده‌اند و در همین راستا با تمامی ذی‌نفعان مربوطه همکاری و مساعدت خواهند داشت.

هدف ممانعت از دستیابی به سلاح هسته‌ای نظامی را به دنبال داشته باشد. شاید بتوان ادعا کرد که ابهام اساسی و اصلی‌تر و عدم توازن مشخص در پیمان و الزامات پیش‌بینی شده در بند ششم آن قابل مشاهده است. در این بند خاطرنشان شده است که هر یک از کشورهای پیمان متعهد می‌شوند که با حسن نیت مذاکرات مربوط به اقدامات کافی برای توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای را در یک زمان نزدیک و موضوع خلع سلاح هسته‌ای را در چارچوب پیمان خلع سلاح عمومی و کامل و تحت نظارت کافی و شدید بین‌المللی به اجرا درآورند. خلع سلاح هسته‌ای که هم‌چنان در انتظار تحقق آن هستیم. در این بین کشورهایی هستند که علی‌رغم در اختیار داشتن بمب اتم و آزمایش کردن آن، پیمان را امضا نکرده‌اند و در قبال آن نیز خود را متعهد نمی‌دانند. اینکه چرا مستثنی هستند و تعهدی ندارند، حکایتی از دوگانگی و چگونگی تعامل عدم اشاعه با یک موضوع مشخص است که توجه به آن چاره‌ساز پاره‌ای ابهامات این پرونده خواهد بود. از طرفی باید اذعان کرد که با وجود پیمان عدم اشاعه، دارندگان بمب هسته‌ای افزایش یافته‌اند. در آسیا آزمایش‌هایی توسط هند و پاکستان در سال ۱۹۹۸ صورت گرفته است؛ ولی این دو کشور هنوز پیمان را امضا نکرده‌اند.

باید صرف‌نظر از رویکرد حقوق بین‌الملل حاکمیت محور به جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، کاربرد آن‌ها یک جنایت بین‌المللی تلقی شود. چرا که با فرض ابتدای حقوق بین‌الملل بر ارزش‌های بشری و تضمین و تأمین منافع بشریت، کاربرد سلاح‌های هسته‌ای با آن همه آثار منفی اجتناب‌ناپذیر برای حیات و بقای بشری، نه تنها نمی‌تواند

زودتر شورای امنیت سازمان ملل را در جریان این موضوع قرار دهد. به‌طور کلی، خروج از پیمان به معنای کنار گذاشتن احکام، مقررات و اجرای توافق پادمان هسته‌ای یک کشور می‌باشد. به همین ترتیب، نگرانی دیگری نیز در خصوص ادامه استفاده از مواد و تجهیزات هسته‌ای دولت خارج‌شده از پیمان وجود دارد که در زمانی که هنوز عضو پیمان بوده در اختیار او قرار گرفته است. در این موارد آژانس به‌راحتی قادر نیست از صلح‌آمیز بودن مقاصد استفاده از آن‌ها اطمینان حاصل نماید» (سوکولسکی، ۲۰۱۰، ۴۲۴-۴۱۹).

۶. نتیجه

اصولاً پیمان عدم اشاعه یک پیمان تبعیض‌آمیز بوده است. در دوران دوقطبی تبیین موازنه سلاح‌های هسته‌ای آن‌چنان امر مشکلی به نظر نمی‌رسید و در ظاهر امر سلاح‌های اتمی مانع از جنگ مستقیم بین ابرقدرت‌های دارنده این سلاح می‌شد. در آن دوران استراتژی بازدارندگی در دستور کار با توجه به مقتضیات و شرایط روز بود و به نظر می‌رسید برخلاف همه تنش‌های دوران جنگ سرد، این راهبرد قابلیت کارایی داشته است. در نتیجه در چارچوب تبیین شرایط روز، در دهه ۱۹۶۰ دو ابرقدرت مذاکراتی مفصل و ماراتنی از گفت‌وگوهای پیچیده را آغاز کردند که به پیمان عدم اشاعه منجر شد. البته دارندگان تکنولوژی هسته‌ای مایل نبودند که مانع قطعی برای توسعه صلح‌آمیز صنعت هسته‌ای در دنیا شوند؛ زیرا این امر مزایای اقتصادی بسیاری برای آن‌ها به همراه داشت و می‌توانست در عین حال نظارت آن‌ها بر چگونگی به‌کارگیری این تکنولوژی را به

مجاز باشد بلکه باید به‌دلیل نقض بسیاری از اصول و قواعد آمرهٔ بین‌المللی و برهم زدن نظم و امنیت بشری، یک جنایت بین‌المللی قلمداد شود. عنصر قانونی لازم برای طرح ممنوعیت و جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را نباید در ارادهٔ دولت‌ها، مندرج در معاهدات یا عرف بین‌المللی جست؛ بلکه باید آن ممنوعیت را در اراده و وجدان جامعهٔ بشری و در اصول و قواعدی جست‌وجو کرد که تضمین‌کنندهٔ منافع چنین جامعه‌ای است.

۷. سهم نویسندگان

همهٔ نویسندگان در این پژوهش به‌صورت برابر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در نگارش این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

فارسی

- بابایی، مجتبی، «استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حق غنی‌سازی ایران»، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۹۲، ۱۳۹۴.

- توکلی طبسی، علی؛ مرادی، محمدعلی، معاهده منع تسلیحات هسته‌ای و پیامدهای آن بر نظام خلع سلاح هسته‌ای با تأکید بر معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰.

- دوپوئی، پی‌یر ماری، «قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل کیفری و قواعد آمره»، ترجمه سید علی هنجانی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، شماره سی و سوم، ۱۳۸۴.

- ساعد، نادر، حقوق خلع سلاح و حاکمیت دولت‌ها، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۶.

- سیدحسین سادات میدانی، «اختلافات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

- عسگری، یدالله، «جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی حقوق بشر سلاح هسته‌ای(اتمی) از منظر حقوق بین‌الملل»، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲، ۱۳۹۹.

- قدیری، حجت‌الله، «بررسی تطبیقی کنوانسیون منع جنگ‌افزارهای زیستی و معاهده عدم اشاعه

سلاح‌های هسته‌ای»، مجله امنیت پژوهی، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۰.

- کریانگ، ساک؛ کیتی، شیایزری، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.

- مدنی، سید جلال‌الدین، مفهوم خلع سلاح و سازمان ملل متحد، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۶۰.

- مولایی یوسف، «تحلیل حقوقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با تأکید بر ماده ۴ پیمان»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۷، ۱۳۷۶.

- نیازمند، علیرضا، «وعده‌های تحقق‌نیافته پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای و چالش‌های پیش رو(تلاش برای بقا یا فروپاشی تدریجی)»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۱، ۱۳۹۸.

لاتین

- Bugnion, Francois, "The International committee of Red Cross and nuclear weapons: from Hiroshima to the dawn of the 21st century", Journal international review of Red Cross, vol 87, 2005; 21.

- Burroughs, John, Nuclear Disorder or Cooperative, First Edition, Washington, LAWYER'S COMMITTEE- U. S. Weapons of Terror edition, 2007, p; 32.

- Hillier, Tim, Sourcebook on Public International law, First Edition, London, Cavendish Publisging Limited, 1998, p;100-663.
- Kristensen, H, U.S. Nuclear Weapons in Europe: A Review of Post-Cold War Policy, Force Levels, and War Planning, First Edition, Washington, Washington Natural Resources Defense Council, 2005, p;71.
- Moxley.Jr, Charles, "The Unlawful Unless of Use or Threat of Use of Nuclear Weapons", available in; <http://www.nycla.org/Nuclearweaponsssept.pdf>, 2000, p;14.
- Sokolski, H, Reviewing NPT, First Edition, California, Create Space Independent Publishing Platform, 2010, p; 419-424.
- Zhang, X. (2006). "The Riddle of Inalienable Right in Article IV of the Treaty on the Non Prol iferation of Nuclear Weapons-International Ambiguity", Chinese Journal of Int' Law, vol 3, 2006:647.

